

سازمان نظامی حزب توده

جلال فرهمند

Farahmand@iichs.org

حزب توده در تاریخ معاصر ایران یکی از فراگیرترین و ماندگارترین حزب در بین احزاب است و دلیل آن دو چیز است:

۱. الگوبرداری از حزب کمونیست شوروی که سالها تجربه در پی داشت و استفاده از ایدئولوژی جوانپسند آن.

۲. توسعه بیش از حد و حصر این حزب که جمعیت زیادی از هر گروه را به سوی خود جذب کرد. ایجاد سازمانهایی برای زنان، جوانان، دانش‌آموزان، کارگران و حتی نظامیان مؤید این نظر است.

در این شماره از ماهنامه بهارستان تکیه بیشتری بر روی سازمان نظامی حزب داریم. بعد از روی کار آمدن رضا پهلوی و تشکیل ارتش واحد تغییرات عمده‌ای در آن ایجاد شد. هر چند که رضاشاه سعی می‌کرد ارتش متکی به شخص خودش باشد، ولی با افزایش سطح تحصیلات افسران جوان این وابستگی سست‌تر شد و دوری افسران جوان از فرماندهان قدیمی و بالطبع بی‌سواد، پس از شهریور بیست کاملاً به ترکیب جدیدی از ارتش انجامید که همگی الزاماً مقید به فرمان شاهانه نبودند.

فرار فرماندهان قدیمی ارتش شاهنشاهی و حتی دزدیدن اموال لشکرهای تحت امر به وسیله آنان مایه شرمساری افسران جوان بود. نمونه بارز آن سرلشکر محتشمی است. وی فرمانده لشکر هشتم خراسان بود که ضمن آنکه از میدان نبرد گریخت، حتی لوله‌های حلبی بخاریش را هم در کامیونهای ارتش حمل کرد و در تربت حیدریه سی هزار تومان از شعبه بانک ملی آن شهر دزدید.

این به هم ریختگی اوضاع، تعدادی از افسران را به سمت و سوی گروه‌های تندرو ناراضی همچون حزب کبود که طرفدار آلمان بود و یا حزب نهضت ملی به رهبری سرلشکر ارفع سوق داد.

در پی تحول و دگرگونی حزب نهضت ملی و همچنین تبلیغات گسترده حزب توده؛ جامعه افسران اصلاح‌طلب و ناراضی به تدریج حزب نهضت ملی را رها کرده و به دیگر احزاب از جمله حزب توده پیوستند. از همان آغاز فعالیت حزب توده، تنی چند از افسران ارتش _و به ویژه نیروی هوایی_ که تمایلات مارکسیستی داشتند به حزب روی آوردند و ثبت‌نام کردند. در ابتدای کار حزب، این افسران بدون توجه به شرایط خویش به طور آشکار به دفتر حزب رفت و آمد می‌کردند که این امر برای حزب بسیار خطرناک بود. بدین لحاظ حزب ضمن اعلام ممنوعیت این کار، افسران را در یک حوزه حزبی سازماندهی کرد و بدین ترتیب هسته اولیه تشکیلات نظامی حزب شکل گرفت.

مرکز جذب نظامیان به حزب، دانشکده افسری بود. این امر برعهده سرهنگ آذر بود و شمار زیادی از دانشجویان جوان نظامی جذب حزب شدند. از مهمترین موفقیت‌های سرهنگ آذر جذب افسران ناسیونالیست به رهبری خسرو روزبه بود که بعدها به رهبری شاخه نظامی حزب رسید.

وظیفه اصلی شاخه نظامی در این زمان دادن اطلاعات محرمانه ارتش به حزب و بررسی چگونگی رشوه‌خواری فرماندهان و یا جناح‌بندی‌های درون ارتش بود و گاهی عملاً هنگام تظاهرات اعضای حزب توده برخی از این نظامیان که همراه با دیگر نظامیان جهت سرکوب اعزام می‌شدند از این امر تمرد می‌کردند.

نقطه اوج فعالیت افسران در سال ۱۳۲۴ بود و قیام افسران خراسان بود. افسران توده‌ای و از جمله اسکندانی و سرهنگ آذر که چندان امیدی به پیروزی سیاسی رهبران حزب توده برای گرفتن قدرت نداشتند به این نتیجه رسیدند که «حزب توده یک حزب انقلابی است، ولی رهبری آن را عناصر غیرانقلابی و محافظه‌کار تصرف کرده‌اند، ما نباید دنباله‌روی آنها بشویم، بلکه باید انقلابی عمل کنیم و آنها را به دنبال خود بکشیم.» این تز مخالف نظر سران حزب توده بود، اما نظامیان معتقد به این بودند که همزمان با تخلیه ایران به وسیله قوای بیگانه، مردم آمادگی قیام دارند. درباره اطلاع حزب توده از این قیام گزارش‌های ضد و نقیضی بیان شده است، اما استراتژی کلی حزب با این جریان چندان همخوانی و موافقت نداشت.

شب ۲۴ مرداد ۱۳۲۴ قیام افسران لشکر ۸ خراسان آغاز شد و با عدم همراهی ارتش شوروی و کم‌محلّی حزب توده بدون هیچ موفقیتی به شکست انجامید. این قیام و سرکوب آن در محدوده تحت اشغال نیروهای شوروی مشکلی دوگانه برای حزب پیش آورد: از یک سو عدم یاری شورویها به افسران که منجر به قتل و جرح و دستگیری آنان شد که توجیه‌ناپذیر می‌نمود و از سوی دیگر با انتساب این قیام به افسران حزب توده، حزب تحت فشار قرار گرفت و بسیاری از فعالیت‌های آنان متوقف گردید.

قیام افسران خراسان، سازمان نظامی حزب توده را نیز در وضعیت دشواری قرار داد. قیام آنها، هیئت حاکمه و ستاد ارتش به ریاست سرلشکر ارفع را بیش از پیش متوجه عواقب نفوذ حزب توده در ارتش و حوادثی که می‌توانست به بار بیاورد ساخت. همین امر منجر به دستگیری چهل تن از افسران شاخه نظامی حزب شد و تعداد افسران باقی مانده به حدود بیست نفر رسید.

پس از اعلام تشکیل فرقه آذربایجان در شهریور ۱۳۲۴ افسران باقی مانده از قیام خراسان و تعدادی دیگر از افسران سازمان نظامی برای آموزش نظامیان به این فرقه پیوستند و این امر باز منجر به تحریک ارتش و رکن دوم و شدت عمل مقابل سازمان افسران و خود حزب گردید.

پس از فروپاشی فرقه در سال بعد این بار رژیم هیچ گونه رحمی به افسران دستگیرشده نکرد و بسیاری را اعدام کرد در حالی که تعدادی نیز همراه با سایر نیروهای فرقه به شوروی پناهنده شدند. این ضربه‌ای مهلک بر پیکره حزب و سازمان نظامی آن بود.

حزب توده نیز که میراث‌دار شکست فرقه آذربایجان شده بود و نیروهای آن از هر طرف دچار تشتت و ریزش شده بودند با پیشنهاد خلیل ملکی سازمان نظامی را منحل اعلام کرد. تعدادی از افسران و از جمله افسر قدرتمند آن سروان خسرو روزبه به این امر اعتراض داشتند و مستقلاً «سازمان افسران آزادیخواه ایران» را تشکیل دادند.

این گروه عملگرایی را پیشه خود ساختند و نخستین اقدام آنان ترور محمد مسعود بود. با به بن‌بست رسیدن فعالیت این گروه بحث الحاق مجدد آن با حزب توده مطرح شد که پس از برگزاری کنگره دوم حزب توده و تغییر کادر رهبری آن این امر در سال ۱۳۲۷ امکان‌پذیر شد. از سال ۱۳۲۹ به بعد هیئت اجرایی سازمان نظامی را حزب انتخاب می‌کرد و این پیوند تا کودتا ادامه داشت. هیئت اجرایی سازمان نظامی دارای پنج شعبه بود:

۱. شعبه تشکیلات ۲. شعبه تبلیغات ۳. شعبه تعلیمات ۴. شعبه مالی ۵. شعبه اطلاعات
فعالیت سازمان گسترش یافت و تعداد زیادی از افسران جوان مجدداً به حزب پیوستند. شاهکار سازمان در سال ۱۳۲۹ بود و آن فراری دادن رهبران زندانی حزب توده و خسرو روزبه از زندان قصر تهران است.

سازمان در واقعه قیام سی تیر ۱۳۲۱ فعالیت چندانی از خود نشان نداد، ولی در قضیه کودتای شب ۲۴ مرداد نقش خود را به خوبی نمایان کرد و با اطلاع دادن شاخه نظامی کودتای آن شب لو رفت.

سازمان نظامی هر چند اخبار کودتای بعدی، یعنی در ۲۸ مرداد را نیز به رهبری حزب توده داده بود، ولی به علت‌هایی که بر ما مجهول است رهبری حزب از دادن فرمانی مبنی بر جلوگیری از کودتا سرباز زد! کودتا به پیروزی رسید و حکومت کودتا تشکیل شد. حزب توده فعالیت‌های آموزش نظامی و تهیه و تدارک وسایل نظامی را شدت بخشید، ولی اندکی بعد این عملیات لو رفت و تعدادی از انبارهای اسلحه حزب کشف گردید.

پس از کودتا وظایف سازمان نظامی افسران گسترده‌تر شد و بار سنگین‌تری بر دوش اعضای سازمان قرار گرفت. عمده‌ترین وظایف سازمان حفاظت از حزب توده در برابر یورش‌ها و نقشه‌های فرمانداری نظامی، خنثی ساختن اقدامات آنان و یاری به تداوم فعالیت حزب توده بود. در این راه اعضای سازمان در فرمانداری نظامی، دادرسی ارتش، شهربانی و اداره زندانها هر يك به نوعی به حزب یاری می‌رساندند. از جمله اقدامات آنان پس از کودتا عبارت است از، رهایی خسرو روزبه از زندان شهربانی، طرح فرار دکتر مصدق و مخالفت مصدق با آن، رساندن برخی اسناد و مدارک برای محاکمه دکتر مصدق به وی، مخفی ساختن برخی افراد از قبیل دکتر حسین فاطمی.

با دستگیری سروان اخراجی ابوالحسن عباسی عضو هیئت اجرایی سازمان افسران حزب توده در سال ۱۳۳۳ ضربه هولناکی به سازمان نظامی وارد شد. وی با اینکه دوازده روز زیر شکنجه دوام آورد، ولی نهایتاً لب به سخن گشود.

حزب توده نیز با ندانم‌کاری و عدم آینده‌نگری و جابه‌جایی افراد موجب دستگیر شدن اکثر اعضای سازمان نظامی گردید. افسران زیادی با کوهی از اسناد و مدارک دستگیر می‌شوند و روز به روز با پیدا شدن مخفی‌گاه‌های جدید سازمان و حزب توده اطلاعات مربوط با آب و تاب فراوان در مطبوعات طرفدار کودتا به چاپ می‌رسد.

حدود ۲۷ نفر اعدام شدند و صدها نفر به مجازات‌های مختلف رسیدند و تنها ۳۷ نفر از اعضای سازمان موفق به فرار شدند که به تدریج از کشور خارج شدند.